

**25. Husbands, love your wives. Love them just as Christ loved the church. He gave himself up for her.**

**29. After all, no one ever hated their own body. Instead, they feed and care for their body. And this is what Christ does for the church.**

**33. A husband also must love his wife. He must love her just as he loves himself. And a wife must respect her husband.**

**25. ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن‌گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود،**

**29. زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد، بلکه به آن خوراک می‌دهد و از آن نگاهداری می‌کند، همچنانکه مسیح نیز از کلیسا مراقبت می‌نماید؛**

**33. باری، هر یک از شما نیز باید زن خود را همچون خویشتن محبت کند، و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد.**

**4. Fathers, don't make  
your children angry.  
Instead, instruct them  
and teach them the ways  
of the Lord as you bring  
them up.**

**4. ای پدران، فرزندان  
خود را خشمگین مسازید،  
بلکه آنها را با تعلیم و  
تربیت خداوند بزرگ کنید.**

**1. Some time later God tested Abraham. He said to him, 'Abraham!' 'Here I am,' Abraham replied.**

**2. Then God said, 'Take your son, your only son. He is the one you love. Take Isaac. Go to the place called Moriah. Give your son to me there as a burnt offering. Sacrifice him on the mountain I will show you.'**

**3. Early the next morning Abraham got up and loaded his donkey. He took two of his servants and his son Isaac with him. He cut enough wood for the burnt offering. Then he started out for the place God had shown him.**

**1. و اما ایامی چند پس از این وقایع، خدا ابراهیم را آزموده، بدو فرمود: «ای ابراهیم!» پاسخ داد: «لیک!»**

**2. گفت: «پسرت را که یگانه پسر توست و او را دوست می‌داری، یعنی اسحاق را برگیر و به سرزمین موریا برو، و او را در آنجا بر یکی از کوه‌هایی که به تو خواهم گفت، چون قربانی تمامسوز تقدیم کن.»**

**3. پس، صبح زود، ابراهیم برخاسته، الاغ خود را زین کرد و دو تن از نوکران خویش را با پسرش اسحاق برگرفته، هیزم برای قربانی تمامسوز شکست و به سوی جایی که خدا به او گفته بود، روانه شد.**

**4. On the third day Abraham saw the place a long way off.**

**5. He said to his servants, 'Stay here with the donkey. I and the boy will go over there and worship. Then we'll come back to you.'**

**6. Abraham had his son Isaac carry the wood for the burnt offering. He himself carried the fire and the knife. And the two of them walked on together.**

**7. Then Isaac said to his father Abraham, 'Father?' 'Yes, my son?' Abraham replied. 'The fire and wood are here,' Isaac said. 'But where is the lamb for the burnt offering?'**

**8. Abraham answered, 'God himself will provide the lamb for the burnt offering, my son.' And the two of them walked on together.**

**4. روز سوم، ابراهیم چشمانش را برافراشت و آنجا را از دور دید.**

**5. آنگاه به نوکرانش گفت: «شما همین جا نزد الاغ بمانید تا من با پسر بدان جا برویم، و پرستش کرده، نزد شما باز آییم.»**

**6. ابراهیم هیزم قربانی تمامسوز را برگرفته، بر پسر خویش اسحاق نهاد، و آتش و چاقو را به دست خود گرفت، و هر دو با هم می‌رفتند.**

**7. و اما اسحاق به پدرش ابراهیم گفت: «پدر؟» پاسخ داد: «بله، پسرم؟» گفت: «این از آتش و هیزم، ولی بره قربانی تمامسوز کجاست؟»**

**8. ابراهیم پاسخ داد: «پسرم، خدا بره قربانی را برای خود فراهم خواهد کرد.» پس هر دو با هم می‌رفتند.**

**9. They reached the place God had shown Abraham. There Abraham built an altar. He arranged the wood on it. He tied up his son Isaac. Abraham placed him on the altar, on top of the wood.**

**10. Then he reached out his hand. He picked up the knife to kill his son.**

**11. But the angel of the LORD called out to him from heaven. He said, 'Abraham! Abraham!' 'Here I am,' Abraham replied.**

**12. 'Do not lay a hand on the boy,' he said. 'Do not harm him. Now I know that you would do anything for God. You have not held back from me your son, your only son.'**

**9. چون به جایی که خدا به ابراهیم گفته بود رسیدند، او در آنجا مذبحی بنا کرد و هیزم بر آن چید، و پسرش اسحاق را بسته، او را بر مذبح، روی هیزم گذاشت.**

**10. آنگاه دست دراز کرد و چاقو را گرفت تا پسر خود را ذبح کند.**

**11. اما فرشته خداوند از آسمان وی را ندا در داد: «ابراهیم! ابراهیم!» پاسخ داد: «لبیک!»**

**12. فرشته گفت: «دست بر پسر دراز مکن و کاری با او نداشته باش! اکنون می‌دانم که از خدا می‌ترسی، زیرا پسرت، آری یگانه پسرت را، از من دریغ نداشتی.»**

**13. Abraham looked round. There in a bush he saw a ram caught by its horns. He went over and took the ram. He sacrificed it as a burnt offering instead of his son.**

**14. So Abraham named that place The LORD Will Provide. To this day people say, 'It will be provided on the mountain of the LORD.'**

**15. The angel of the LORD called out to Abraham from heaven a second time.**

**16. He said, 'I am giving you my word that I will bless you. I will bless you because of what you have done,' announces the LORD. 'You have not held back your son, your only son.'**

**13. ابراهیم سر بلند کرد و پشت سرش قوچی را دید که با شاخهایش در بوته‌ای گرفتار شده بود. ابراهیم رفته، قوچ را گرفت و آن را به جای پسرش، چون قربانی تمامسوز تقدیم کرد.**

**14. پس ابراهیم آن مکان را 'خداوند فراهم خواهد کرد' نامید. و تا امروز نیز گفته می‌شود: «بر کوه خداوند، فراهم خواهد شد.»**

**15. فرشته خداوند بار دوم ابراهیم را از آسمان ندا در داد**

**16. و گفت: «خداوند می‌فرماید: به ذات خودم سوگند، از آنجا که این کار را کردی و پسرت را که یگانه پسر توست دریغ نداشتی،**

**17. So I will certainly bless you. I will make the children born into your family as many as the stars in the sky. I will make them as many as the grains of sand on the seashore. They will take over the cities of their enemies.**

**18. All nations on earth will be blessed because of your children. All these things will happen because you have obeyed me.'**

**19. Then Abraham returned to his servants. They started out together for Beersheba. And Abraham stayed in Beersheba.**

**17. به یقین تو را برکت خواهم داد و نسلت را همچون ستارگان آسمان و مانند شنهای کناره دریا کثیر خواهم ساخت. نسل تو دروازه های دشمنانشان را تصرف خواهند کرد،**

**18. و به واسطه نسل تو همه قومهای زمین برکت خواهند یافت، زیرا به صدای من گوش گرفتی.»**

**19. پس ابراهیم نزد نوکران خود بازگشت، و ایشان برخاسته با هم به بئر شیبع رفتند. و ابراهیم در بئر شیبع ساکن شد.**

**Sermon by Lector Helmut Heiland on Men's Sunday, 12 November 2023: How does a boy become a man; Sermon text: Genesis 22:1-19 (Isaac's sacrifice)**

**Dear congregation,**

**1. The sacrifice of Isaac has already received many interpretations, and like most biblical texts, it allows for many interpretations. I look at it today from the point of view of how Isaac becomes a man. One pastor says about it: "Abraham and Isaac go up a mountain to perform a sacred rite, human sacrifice style. It is a rite of initiation for young men in which the fathers 'sacrifice' and thus release their sons." I take this text as a universal example of the transition from boy to man. First, the sermon is about how the Bible views masculinity. Then I explain how masculinity is in Germany today and how a boy becomes a man. Then I will move on to the text.**

**خطبه توسط لکتور هلموت هایلند در یکشنبه مردان، 12 نوامبر 2023: چگونه یک پسر مرد می شود. متن خطبه: پیدایش 22: 1-19 (قربانی اسحاق)**

**جماعت عزیز**

**1. قربانی اسحاق تفاسیر زیادی دریافت کرده است و مانند اکثر متون کتاب مقدس، قابل تفسیر است. من امروز از منظر مرد شدن آیزاک به آن نگاه می کنم. کشیشی می گوید: «ابراهیم و اسحاق از کوهی بالا می روند تا مراسمی مقدس به سبک قربانی انسانی انجام دهند. این یک مراسم آغازین برای مردان جوان است که در آن پدران پسران خود را «قربانی» می کنند و در نتیجه آنها را آزاد می کنند.» من این متن را نمونه ای کلی از گذار از پسر به مرد می دانم. اول، این موعظه در مورد این است که کتاب مقدس چگونه مردانگی را می بیند. سپس توضیح می دهم که مردانگی امروز در آلمان چگونه است و چگونه یک پسر مرد می شود. سپس به بررسی متن می رسم.**



**2. The decisive point about manhood is made clear right at the beginning of the Bible in Genesis, chapter 2, verse 24: "Therefore a man shall leave his father and mother and cleave to his wife, and they shall be one flesh." So a man must be torn away from the security of the parental relationship and take care of his wife. He has to give up the old unit and enter into a new one, for which he is now responsible. This brings uncertainty, it's still a gamble today. You have to get involved with something you don't know and that is different from you. Ephesians 5:31 says: "Husbands, love your wives, to the point of giving yourselves for them. Husbands should love their wives as their own bodies, for he who loves his wife loves himself."**

**2. نکته اصلی در مورد مرد بودن درست در ابتدای کتاب مقدس در پیدایش فصل 2 آیه 24 روشن شده است: «پس مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به همسر خود خواهد چسبید و آنها یک تن خواهند شد. مرد باید پس از امنیت رابطه والدینش جدا شده و باید از همسرش مراقبت کند. او باید وحدت قدیمی را رها کند و وارد وحدت جدیدی شود که اکنون مسئولیت آن را بر عهده دارد. این امر عدم اطمینان را به همراه دارد، که امروزه همچنان یک خطر است. شما باید درگیر چیزی شوید که نمی دانید و با خودتان متفاوت است. افسسیان 5:31 می گوید: «ای شوهران، همسران خود را آنقدر دوست داشته باشید که خود را به خاطر آنها تسلیم کنید. مردان باید زنان خود را مانند بدن خود دوست داشته باشند، زیرا هر که همسر خود را دوست دارد خود را دوست دارد.»**

**3. Today we have a special situation in Germany as far as masculinity is concerned. In the past, masculinity was considered the highest of all virtues and was exaggerated beyond measure. When this perverted kind of masculinity led our country twice into a war and thus into a catastrophe, masculinity in our country went into a serious crisis. For most men, this was associated with an identity crisis; they no longer trusted their feelings, sensibilities, values and ideals. Women set out to criticize the exaggerated ideals of masculinity and the false images of man associated with them. This was a legitimate and helpful concern. Radical women, however, said: "There is a design flaw in men, men must retrain. Masculinity inevitably leads to violence and war."**

**3. امروز در آلمان در مورد مردانگی وضعیت خاصی داریم. مردانگی در گذشته به عنوان بالاترین فضایل تلقی می شد و بسیار مبالغه آمیز بود. وقتی این نوع مردانگی منحرف کشور ما را دو بار وارد جنگ و در نتیجه فاجعه کرد، مردانگی ما وارد یک بحران جدی شد. برای اکثر مردان این با یک بحران هویت همراه بود؛ آنها دیگر به احساسات، احساسات، ارزش ها و ایده آل های خود اعتماد نداشتند. زنان شروع به انتقاد از آرمان های اغراق آمیز مردانگی و تصاویر نادرست از انسانیت مرتبط با آنها کردند. این یک نگرانی مشروع و مفید بود. اما زنان رادیکال گفتند: «یک نقص طراحی در مردان وجود دارد، مردان باید دوباره یاد بگیرند. مردانگی ناگزیر به خشونت و جنگ می انجامد.»**

**4. Today we have the situation that boys are predominantly educated by women until the end of elementary school, that is, until the age of ten or eleven. They can hardly orient themselves to men in the decisive phase of their identity formation. At that age, however, boys want to know what skills and qualities they will need later as men, and no matter how well women mean it, they are not ideal role models.**

**4. امروزه شرایطی داریم که پسرها عمدتاً تا پایان دبستان، یعنی تا ده یا یازده سالگی توسط زنان تربیت می‌شوند. آنها در مرحله حساس شکل‌گیری هویت خود، به سختی می‌توانند خود را به سمت مردان سوق دهند. در آن سن، پسرها می‌خواهند بدانند که بعداً به عنوان مرد به چه مهارت‌ها و ویژگی‌هایی نیاز خواهند داشت، و مهم نیست که چقدر زنان آن را خوب می‌دانند، آنها الگوهای ایده‌آلی نیستند.**

**5. When boys behave in an unconstrained manner, today they are far too often told: not so loud, not so hard, not so wild, not so fast. At a time when self-development is an ideal, boys must always run through life with their energy curbed. It's like a car always driving with the handbrake on. In the case of boys, the result is that a large number need tranquilizer pills and psychological care even at elementary school age.**

**5. امروزه، وقتی پسرها آزادانه رفتار می کنند، شعار خیلی زیاد است: نه آنقدر بلند، نه آنقدر سخت، نه آنقدر وحشیانه، نه آنقدر سریع. در زمانی که خودسازی یک ایده آل است، پسرها همیشه باید با انرژی محدود زندگی را طی کنند. مثل ماشینی است که همیشه با ترمز دستی رانندگی می کند. برای پسران، این بدان معنی است که تعداد زیادی از آنها حتی در سنین دبستان به داروهای آرامبخش و حمایت روانی نیاز دارند.**

**6. So, what can be done for a boy to become a man? It is not enough to simply wait until they reach the appropriate age. What we think of as mature and civilized manhood is not biologically predetermined. Boys have been given certain predispositions, urges and needs by nature, such as wildness, the desire to fight, the desire to take risks, the urge to explore. They cannot simply give free rein to these, but must learn to deal with them in an orderly manner. But even education is of little help in this learning process, and certainly not education by women alone. It is well known that education is not essentially accomplished by explanations and teachings, but by children imitating adults. But how are boys supposed to imitate men when there are hardly any in their lives?**

**6. پس چه کاری می توانید انجام دهید تا یک پسر مرد شود؟ فقط صبر کردن تا رسیدن به سن مناسب کافی نیست. آنچه ما به عنوان مردانگی بالغ و متمدن تصور می کنیم، از نظر بیولوژیکی از پیش تعیین شده نیست. پسران تمایلات، انگیزه ها و نیازهای خاصی را از طبیعت به دست آورده اند، مانند وحشی بودن، روحیه جنگندگی، تمایل به ریسک کردن و میل به کشف. آنها نمی توانند فقط به آنها اجازه دهند آزادانه فرار کنند، آنها باید یاد بگیرند که چگونه با آنها به شیوه ای منظم برخورد کنند. اما آموزش کمک چندانی به این یادگیری نمی کند، به خصوص آموزش توسط زنان به تنهایی. به خوبی شناخته شده است که آموزش اساساً از طریق توضیحات و دستورالعمل ها انجام نمی شود، بلکه بیشتر توسط کودکان تقلید از بزرگسالان انجام می شود. اما پسرها چگونه باید از مردان تقلید کنند، در حالی که کمتر مردی در زندگی آنها وجود دارد؟**

**7. So how does one become a man? One's masculinity is awarded, virtually bestowed like a dignity, by older, experienced men, ideally by the father. If boys are denied this, they look for a man who becomes a role model for them and whom they emulate. Boys acquire their masculinity by being recognized and appreciated in their nature and behavior by older men. In the past, boys were prepared for their role as men and fathers.**

**7. پس چگونه انسان مرد می شود؟ مردانگی به شما اعطا می شود، که مانند یک منزلت، توسط مردان مسن تر و با تجربه، در حالت ایده آل پدرتان، به شما اعطا می شود. اگر پسرها این موضوع را انکار کنند، به دنبال مردی می گردند که برای آنها الگو باشد و بتوانند از او الگوبرداری کنند. پسران مردانگی خود را با شناسایی و قدردانی در طبیعت و رفتار خود توسط مردان مسن به دست می آورند. در گذشته، پسران برای نقش های خود به عنوان مرد و پدر آماده بودند.**

**8. An American monk has tried to reintroduce these rituals in the church setting. He calls it Christian men's initiation. In his courses, young men gather who have already failed in their image of men shaped by their environment and have fallen into an identity crisis. The aim is to make up in a fast-track process what they were denied in their childhood. Then they have to learn not to let their newly experienced feelings and drives rule them, but to control them and use them properly.**

8. یک راهب آمریکایی تلاش کرد تا این آیین ها را دوباره در یک محیط کلیسا معرفی کند. او این را شروع مردانه مسیحی می نامد. دوره های او مردان جوانی را گرد هم می آورد که قبلاً به دلیل تصویری که از مردان تحت تأثیر محیط زیست داشتند شکست خورده اند و در بحران هویت قرار گرفته اند. هدف این است که به سرعت آنچه را که در کودکی از آنها رد شده بود، دریافت کنند. سپس باید یاد بگیرند که به خود اجازه ندهند تحت تسلط احساسات و تمایلات تازه تجربه شده قرار گیرند، بلکه باید آنها را کنترل کنند و به درستی از آنها استفاده کنند.

**9. Before we interpret the sacrifice of Isaac, we need to agree on how to use the biblical language. The language of the Bible is a kind of language that makes it possible to understand the context of the world behind the phenomena. This language is more closely related to the language of poetry than to scientific language. The Bible speaks in pictures in order to reveal connections which cannot be expressed with a reality-related language.**

**9. قبل از اینکه قربانی اسحاق را تفسیر کنیم، باید در مورد نحوه استفاده از زبان کتاب مقدس توافق کنیم. زبان کتاب مقدس نوعی زبان است که امکان برقراری ارتباط در مورد زمینه جهان را فراهم می کند که می توان در پشت پدیده ها احساس کرد. این زبان بیشتر با زبان شعر مرتبط است تا زبان علم. کتاب مقدس در تصاویر صحبت می کند تا ارتباطاتی را آشکار کند که با زبان مبتنی بر واقعیت قابل بیان نیستند.**



**10. The bible often uses an old language for this. Such Bible texts are not written for the ears of today's critical people who are fixated on worldly facts, but so that people at that time could understand them. That is why Jesus says (Matthew 18:4): "Truly I tell you: Unless you repent and become like children, you cannot enter the kingdom of heaven." Or Matthew 11:26: "I thank you, Father, Lord of heaven and earth, that you have hidden these things from the wise and understanding and have revealed them to babes."**

**10. کتاب مقدس اغلب از زبانی قدیمی استفاده می کند که امروزه هنوز هم در میان کودکان یافت می شود. چنین متون کتاب مقدس برای گوش افراد منتقد امروزی که بر حقایق دنیوی متمرکز هستند، نوشته نشده است، بلکه به گونه ای نوشته شده است که مردم آن زمان می توانند آنها را درک کنند. به همین دلیل است که عیسی می گوید (متی 18:4): "به راستی به شما می گویم، مگر اینکه توبه کنید و مانند کودکان نباشید، نمی توانید به ملکوت آسمان وارد شوید." یا متی 11:26: "من از تو سپاسگزارم ای پدر" خداوندا از آسمان و زمین، تو این چیزها را از خردمندان و خردمندان پنهان کردی و برای کودکان و نوجوانان آشکار ساختی.»**

**11. In a Bible text, key words are very important. Key words in the story of Isaac's sacrifice are: "the place". It occurs four times in this passage. What is meant is a holy place, a place of God's presence, that is, a place where salvation is experienced, where people experience salvation in the proximity of God. Another key word is: "on the third day". What is essential about this number three is that it announces a salvation event, that God allows salvation and rescue to happen, usually after a time of fear and terror. These key words show us that this text wants to tell us something about deliverance, salvation and rescue.**

**11. کلمات کلیدی در متن کتاب مقدس بسیار مهم هستند. کلمات کلیدی در داستان قربانی شدن اسحاق عبارتند از: "مکان". در این قسمت چهار بار اتفاق می افتد. مقصود یک مکان مقدس است، محل حضور خدا، مکانی که در آن رستگاری تجربه می شود، جایی که افراد نزدیک خدا در آنجا رستگاری را تجربه می کنند. کلمه کلیدی دیگر این است: "در روز سوم". آنچه در مورد این عدد 3 مهم است این است که یک رویداد شفا بخش را اعلام می کند، که خداوند اجازه می دهد نجات و رستگاری اتفاق بیفتد، معمولاً پس از مدتی ترس و وحشت. این کلمات کلیدی به ما نشان می دهد که این متن می خواهد چیزی در مورد رهایی، رستگاری و رستگاری به ما بگوید.**

**12. This story is about Isaac's path as an adult man. At the same time, it is about the path of the people of Israel, because Isaac is supposed to carry on the covenant that God made with Abraham. In this described rite, the bonds stand for the entanglements into which one grows and for those in which one gets caught oneself. For without the bestowal of mature manhood by experienced men, the young man is misguided and fettered by his own predispositions. Let us only think of the excesses of coma drinking. These dispositions, wildness, combativeness, risk-taking, need not be suppressed and forbidden, but directed toward a goal greater than oneself.**

**12. این داستان در مورد سفر اسحاق به عنوان یک مرد بالغ است. در عین حال، این در مورد مسیر قوم اسرائیل است، زیرا اسحاق قرار است به عهدی که خدا با ابراهیم بسته است، ادامه دهد. در این آیینی که شرح داده شد، اسارت ها نشان دهنده گرفتاری هایی است که فرد در آن رشد می کند و آن هایی که در آن گرفتار می شود. زیرا بدون اعطای مردانگی بالغ توسط مردان باتجربه، جوان گمراه خواهد شد و در غل و زنجیر تمایلات خود قرار خواهد گرفت. فقط به افراط در مصرف الكل فکر کنید. این تمایلات، وحشی، روحیه مبارزه، تمایل به ریسک کردن، نباید سرکوب و ممنوع شوند، بلکه بیشتر به سمت هدفی بزرگتر از خود هدایت شوند.**

**13. Mature masculinity involves accepting a challenge, a task, a duty. Only in this way does life acquire meaning for young men. The basic duty of a man, we have heard, is to raise a family and to look after the welfare of his wife and children. But there is a broader, a social responsibility added to this, for example in his profession. Isaac must carry on the blessing for all mankind. Thus, this account becomes a reference to Christ's sacrificial death and resurrection. The young man "dies" in his previous references, as a child, and rises as a new man, as an adult. Isaac gives himself completely to God, he lets himself be bound on the altar without resistance.**

**13. مردانگی بالغ شامل پذیرش یک چالش، یک وظیفه، یک وظیفه است. این تنها راهی است که زندگی برای مردان جوان معنا پیدا می کند. ما شنیده ایم که وظیفه اصلی یک مرد تشکیل خانواده و مراقبت از رفاه همسر و فرزندان است. اما مسئولیت اجتماعی دیگری نیز وجود دارد، به عنوان مثال. ب در شغلش. اسحاق باید برکت را برای تمام بشریت ادامه دهد. بنابراین، این گزارش اشاره ای به مرگ قربانی و رستخیز مسیح می شود. مرد جوان در روابط قبلی خود، به عنوان یک کودک، "می میرد" و به عنوان یک فرد جدید، به عنوان یک بزرگسال برمی خیزد. اسحاق کاملاً خود را به خدا می سپارد؛ او به خود اجازه می دهد بدون مقاومت به قربانگاه بسته شود.**

**14. The passage of the sacrifice of Isaac tells in reality about the liberation of Isaac. The childish boyishness is killed. Isaac is released from emotional and social constraints, including dependence on his father. He has to set him free. He has to leave him to God. In this respect, Abraham sacrifices Isaac, but at the same time Abraham frees Isaac so that salvation, God's plan of redemption for all humanity, can continue. God has ordained this ritual. God needs Isaac for Himself and His plans with humanity. So He intervenes by a word and takes responsibility for the son. The latter rises from the sacrificial table, from ritual death, as a man, detached from earthly constraints, reborn by a divine word. He no longer belongs to the father and the clan, but his life now belongs to God.**

**Amen!**

**14. قسمت مربوط به قربانی شدن اسحاق در واقع از رهایی اسحاق می گوید. کیفیت کودکانه و پسرانه کشته می شود. اسحاق از محدودیت های عاطفی و اجتماعی، از جمله وابستگی به پدرش رها شده است. باید او را آزاد کند. او باید آن را به خدا بسپارد. از این نظر، ابراهیم اسحاق را قربانی می کند، اما در عین حال ابراهیم اسحاق را آزاد می کند تا رستگاری، برنامه رستگاری خداوند برای همه بشریت، ادامه یابد. خداوند این آیین را مقرر داشته است. خداوند به اسحاق برای خود و برنامه هایش برای بشریت نیاز دارد. پس با سخنی مداخله می کند و مسئولیت پسر را بر عهده می گیرد. او از سفره قربانی، از مرگ تشریفاتی، مردی رها شده از محدودیت های زمینی، با کلام الهی دوباره متولد شده است. او دیگر متعلق به پدر و قبیله اش نیست، اما زندگی او اکنون متعلق به خداست.**

**آمین**